

انرژی، نقطه قوت یا پاشنه آشیل ایران؟

عباس عبدي

آژانس بین‌المللی انرژی یارانه پرداخت هر سال انرژی در ایران را ۹۰ میلیارد دلار اعلام کرد. رییس سازمان برنامه رقم ۶۳ میلیارد دلار یارانه پنهان را بیان کرده. یعنی در ایران، به‌طور متوسط، به هر نفر در سال، ۱۹ میلیون تومان یارانه انرژی پرداخت شده است. آنچه گفته شد ظاهر ماجرا است. اگر خسارات این نحوه قیمت‌گذاری را در ایران محاسبه کنیم بسیار بیش از آن است که ابتدا به نظر می‌رسید. با یکی از مدیران موفق استارت‌آپی درباره شرایط توسعه این شرکت‌ها گفت‌وگو می‌کردم. او معتقد بود که یکی از مهم‌ترین موانع رشد این شرکت‌ها قیمت انرژی در ایران است. برآورد وی چنین بود که با آزاد شدن قیمت کل حامل‌های انرژی، شرکت‌های مزبور به صورت تصاعدي رشد خواهند کرد. البته فرصت نبود که درباره جزئیات این ادعای وی گفت‌وگو کنم، ولی اجمالا می‌توان تصور کرد که پرداخت این حجم از یارانه یا بهتر بگوییم شکاف قیمتی در بخش انرژی زمینه را برای شکل‌گیری شرکت‌هایی که مبتنی بر قیمت‌های واقعی هستند فراهم نمی‌کند. در واقع شرکت‌های استارت‌آپی می‌توانند با استفاده از بالا بودن قیمت انرژی، شرایطی را فراهم کنند که کالاهای انرژی‌بر ارزان‌تر به دست مصرف‌کننده برسد. همان کاری که شرکت اوبر یا همان تاکسی‌های اینترنتی در حمل‌ونقل انجام داده است. در مقابل تولیدکنندگان فولاد، پتروشیمی، سیمان که صنایع انرژی‌بر هستند از این ارزانی استقبال می‌کنند و هیچ نیازی به نوآوری و افزایش بهره‌وری ندارند.

این سیاست قیمت‌گذاری است که موجب اختلال در مصرف این کالای مهم شده است. کالایی که هر چه مصرف آن بیشتر باشد، نتیجه‌ای جز اتلاف منابع و آلودگی محیط زیست و هوا ندارد. پرسش این است که چرا این سیاست را دنبال می‌کنیم؟ اگر همین رقم یارانه پنهان مستقیماً به مردم پرداخت شود، بخش مهمی از فقر از میان می‌رود. نابرابری به شدت کم می‌شود. همان سال ۱۳۸۹ که به صورت ناقص و البته غیرقانونی انجام شد، ضریب جینی کشور تا ۳۶/۰ نیز کاهش یافت و اگر این فرآیند تکمیل می‌شد، به‌طور قطع نابرابری کمتر می‌شد و مصرف انرژی نیز متعادل می‌گردید و امروز نگران تامین گاز زمستان نبودیم. به علاوه

